

## در خدمت امید در خدمت آزادی

یادی از مصطفی رحیمی  
در بیست و دومین سالگرد خاموشی



فرهاد محرابی

پژوهشگر فلسفه‌ی سیاسی  
و ادبیات تطبیقی

«من با شما مبارزه می‌کنم زیرا منطق شما نیز چون قلب شما جنایتکار است. و در وحشی که چهار سال بر ما روا داشتید، منطق شما به همان اندازه دخیل بود که غریزه‌ی شما. بدین گونه است که من شما را کلاً محکوم می‌کنم. شما به چشم من مرده‌اید. ولی حتی در همان زمانی که من درباره‌ی رفتار خشونت‌بار شما داوری می‌کنم، به یاد خواهم داشت که شما و ما اجزاء یک واحد یگانه هستیم، که شما و ما و همه‌ی اروپا دچار یک فاجعه‌ی روشنفکری هستیم و برخلاف شما من نام بشر را درباره‌ی شما همچنان حفظ می‌کنم. ما که به ایمان و اعتقاد خود وفاداریم، مجبوریم آنچه را که شما درباره‌ی دیگران دریغ داشتید، درباره‌ی شما پاس بداریم.»

(آلبر کامو، «من هرگز به نومی‌رضا ندادم»، به فارسی مصطفی رحیمی)

قطعه‌ی بالا را کامو خطاب به جوانان هیتلری و در ببحوجه‌ی جنگ جهانی دوم نگاشته‌اند و در سال ۱۹۵۴ در مجموعه‌ای تحت عنوان «چند نامه به دوستی آلمانی» انتشار یافته، معنای این نوشته روشن است. کامو از جنایات و زوالی که تاریکی اندیشی نازیسم بر اروپا حکمفرما کرده انتقاد می‌کند، اما در عین حال از مقام انسانیت عدول نمی‌کند. دلیل اینکه این چند خط را در ابتدای این یادنامه‌ی کوتاه در باب میراث روشنفکری مصطفی رحیمی (۱۳۸۱-۱۳۰۵) آورده‌ام این بوده که به سیاقی تمام و کمال خلاصه‌ی تفکر خود او نیز هست. رحیمی در تمام عمر با فاشیسم در هر دو جنب چپ و راست مبارزه کرد و مفاهیم بنیادین تفکرش یعنی آزادی و عدالت را به هیچ قیمتی به سلسله‌ی مصلحت و منفعت نبرد.

او در پی شکست‌های سیاسی خود و هم‌نسلانش از سال‌های انقلاب مشروطه تا سال‌های پس از انقلاب ۵۷، هیچ‌گاه اجازه نداد نومی‌رضا و خمودی، نقطه‌ی پایانی بر مبارزه‌ی سیاسی‌اش باشد. رحیمی که در همان ماه‌های تثبیت استبداد مطلقه‌ی رضاشاهی و بر تخت نشستن او به دنیا آمده بود، از سال‌های آغازین جوانی بانوشتن چند دفتر شعر و نگارش چند متن ادبی، تصمیمش را برای ورود به عرصه‌ی اهل قلم و روشنفکری ایرانی گرفته بود؛ آثاری که به روشنی دلمشغولی عمیق او به سیاست‌آرین نشان می‌دهند. رحیمی نیز طبعاً همچون بسیاری از هم‌نسلانش کودتای آمریکایی-انگلیسی بر ضد دولت مردمی محمد مصدق را شکستی بزرگ در مسیر خواسته‌های دموکراتیک و توسعه‌محورانه‌ی کشورش می‌دید؛ سعی داشت آن را درک کند و در عین حال از دل آن دیگر بار راهی برای تحقق آزادی و دموکراسی در ایران بیابد. او که آشکارا نظر گاهی سوسیال-دموکرات در سیاست داشت به هیچ‌عنوان در دام دکماتیسم حزبی بسیاری از چپ‌های ایرانی نیفتاد و همین البته تا حدی دلیلی بود بر انزوای و محجور ماندن میراث فکری‌اش در ساحت روشنفکری ایرانی. او که مترجم کامو و سارتر به فارسی بود و بسیاری از ایرانیان او را بار

تا ترجمه‌های او با این منتقدان آشنا شدند، همچون آنها آنگقدر خوش اقبال نبود تا صدایی بلند در ساحت روشنفکری کشور خود بیابد. او از بسیاری جهات شبیه خلیل ملکی بود؛ مطرود چپ‌توده‌ای بود و توسط میلیون نیز با تمام ایران دوستی و عشق و افش به کشور خود، جدی گرفته نمی‌شد. او نه فریفته‌ی حلقه‌ی فریادیه‌ی شد، نه مرعوب گفت‌مان غریزگی پیروان آن و نه رویکردی شوونیستی نسبت به ایران داشت. رحیمی نه با دیدن جنایات شورو (او همواره منتقد استالینیسم بود) به آرزوهای برابری طلبانه پشت کرد، نه با دیدن جنایات امپریالیسم آمریکا نسبت به میراث لیبرال دموکراسی بی‌توجه بود. او دقیقاً به سیاق الگوی فکری‌اش آلبر کامو در تمام عمر هم منتقد اقتدارگرایی مارکسیستی بود، هم از فاشیسم کاپیتالیستی دوری می‌کرد. «سوسیالیسم انسانی» او که مبتنی بر سه پایه‌ی آزادی، عدالت و اخلاق بود همواره او را در موضعی منتقد نسبت به هر شکلی از توتالیترانیسم - چه سکولار، چه مذهبی - قرار می‌داد. وقتی رحیمی در تابستان ۱۳۸۱ چشم از جهان فرو بست مجموعه‌ای بیش از ۴۰ عنوان کتاب (ترجمه و تألیف) از خود به یادگار گذاشته بود که در سطر سطر آنها جز پاسداشت و تأکید بر امید، حقیقت و آزادی چیز دیگری نمی‌توان یافت. شاهرخ مسکوب، دوست و یار دیرین رحیمی در سوگ او نوشت: «هرگ او شرافتمندانه‌ترین جواب به اجتماع ناسالم بود.»

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمدزیدآبادی • سردبیر: محمدجوادروح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خبیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (مکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتورها) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروزین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



# در پناه وطن

## برخوردی اخلاقی براساس مصلحت عمومی در برابر درخواست بازگشت بازگشتی‌ها

### اخلاق برتر از قانون است

کامبیز نوروزی، حقوقدان با اشاره به اینکه طبیعتاً برخوردی حقوقی و قانونی با این هنرمندان منجر به اتفاقاتی خواهد شد که همگی از آن آگاهیم، به لزوم جایگزینی برخوردی از نوع دیگر اشاره می‌کند و در



گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌افزاید: «گاهی اوقات حقوق و قانون برای بیان برخی مفاهیم، امکان و محدودیت‌هایی مواجه است. پس از برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پیروزی مسعود پیرشکیان در این انتخابات و در آستانه تشکیل دولت جدید، مفهومی تازه به ادبیات سیاسی ما ورود پیدا کرد. مفهومی که تحت عنوان «دولت وفاق ملی» می‌شناسیم‌اش. هنگامی که ما از «وفاق ملی» صحبت می‌کنیم، باید بدانیم قرار نیست همه تسلیم یک دیدگاه شویم، بلکه قرار بر این است که با هم کنار بیاییم و در کنار هم، یکدیگر را به رسمیت بشناسیم. برای رسیدن به چنین مقصودی، نگاه‌های سختگیرانه‌ای که بخواید با کوچکترین مسئله‌ای، افراد را با عتاب و خطاب تنبیه روبرو کند، نمی‌تواند منجر به وفاق شود.» او اشاره می‌کند: «در سال‌های اخیر کسانی بوده‌اند که براساس نوع نگاه و تصورات خود از مسائل جاری، به نکاتی اشاره کرده‌اند. هرچند به هر حال نظام جمهوری اسلامی، نظامی پایدار و مستقر است که توانسته است در پیچ‌های دشوار خود را محفوظ نگاه دارد. نکته‌ای که اتفاقاً مثبت هم هست و نشان می‌دهد که این نظام، نظامی متزلزل نیست. بنابراین برای ایجاد وفاق ملی و همدلی عمومی در چنین نظامی، نیازمند آنیم که نگاه‌های سختگیرانه را کنار بگذاریم. کسانی که در طول این سال‌ها به هر دلیلی چیزهایی را گفته‌اند و نوشته‌اند، نباید با نگاهی سختگیرانه نگریده شوند. برای این افراد باید شرایطی فراهم کرد تا بتوانند به آسودگی در کشور به زندگی و کار خود ادامه دهند. این جاست که می‌گوییم نگاه حقوقی، نمی‌تواند پاسخگوی همه مسائل باشد. گاهی اوقات، اخلاق و مصلحت عمومی برتر از قانون و حقوق قرار می‌گیرد. فارغ از اینکه طبق اصل آزادی بیان همه افراد از اجاز اظهار نظر برخوردارند، در اینجا باید از این آیین افراد جرمی مرتکب شده‌اند یا نه را باید کنار گذاشت. در اینجا باید از این چشم‌نگریست که ما جملگی از هر قشر و با هر دیدگاهی در کنار یکدیگر به زندگی با تسامح در مسیر پیشرفت کشور ادامه دهیم.» نوروزی با بیان اینکه «اگر ما قرار باشد صرفاً با نگاه خشک حقوقی به مسائل بنگریم زندگی‌مان فلج خواهد شد»، ادامه می‌دهد: «اخلاق بسیار برتر از حقوق است. بخش اصلی و عمده زندگی ما براساس اخلاق است که شکل می‌گیرد، نه براساس قانون. زندگی روزمره ما، به‌عنوان مثال رفت‌وآمدن در خیابان، تاکسی، اتوبوس، محل کار، گردهمایی با دوستان... همه و همه بیش از آنکه به حقوق وابسته باشد، به اخلاق وابسته است. این ضعف جامعه ایران و ضعف نظام حکمرانی ماست که برای همه چیز به دنبال قانون می‌گردد. هر چقدر قانون بیشتر می‌شود جا برای اخلاق تنگ‌تر می‌شود و این نشان‌دهنده ضعف است. مادر این مورد نیازمند برخوردی اخلاقی براساس مصلحت عمومی هستیم، نه برخوردی قانونی براساس اصول حقوقی.»

### آنها که در وطن در مضیقه‌اند

در کنار هنرمندانی معترضی که پس از اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ مهاجرت کردند، هنرمندان معترض بسیاری هم بودند که در ایران ماندند. هنرمندانی از جمله بازیگران زن که بارها و بارها با احضار، بازداشت، آزادی به قید وثیقه، ضبط پاسپورت و وسایل الکترونیک، ممنوع‌الخروجی... مواجه شده‌اند. اتفاقی که پاتنه‌ی بهرام در پستی اینستاگرامی به تازه‌ترین نمونه آن اشاره کرد و خبر از ممنوعیت‌اش از تیرس داد. اگر از دولت وفاق ملی در خواست می‌شود برخوردی اخلاقی براساس مصلحت عمومی را جایگزین برخوردی قانونی براساس اصول حقوقی با هنرمندان معترضی کند که می‌خواهند به وطن بازگردند، چنین برخوردی با هنرمندانی که در کشور خودمانندند نیز در خواست می‌شود.



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

وقوع اعتراضات اجتماعی و همدلی گروهی از هنرمندان با معترضان، در هیچ جامعه‌ای دور از ذهن نیست. اتفاقی که پاییز ۱۴۰۱ نیز در ایران رخ داد. در آن مقطع زمانی، مجموع شرایط به گونه‌ای پیش رفت که عده‌ای از جمله برخی هنرمندان «مهاجرت» را به گزینه‌های دیگر ترجیح دادند. هنرمندان مهاجر که حمایت خود را از معترضان به شیوه‌های گوناگون ابراز کرده بودند در جامعه جدید، با موقعیتی متفاوت از آن چه در ایران داشتند روبرو شدند. موقعیتی که در آن دیگر خبری از شهرت و به تبع پیشنهادهای کاری پیشین نبود. در چنین شرایط دشواری، برخی از آن‌ها به گفته خود «کم آوردند» و خواستار بازگشت به ایران شدند. برخوردی قانونی براساس اصول حقوقی، طبیعتاً همه این هنرمندان را با اتهاماتی مواجه می‌کند که منجر به احضار، بازداشت و حبس خواهد شد اما سوال این جاست که آیا به قول کامبیز نوروزی، حقوقدان، نمی‌توان در دولتی که بر پایه شعار «وفاق ملی» شکل گرفته است برخوردی اخلاقی براساس مصلحت عمومی را در پیش گرفت و به این هنرمندان اجازه داد بازگردند و زندگی را در پناه وطن از سر بگیرند؟

### پل‌های فروریخته را از نو بسازیم

مطرح شدن دوباره موضوع «درخواست بازگشت هنرمندان معترض مهاجرت کرده به وطن»، با انتشار ویدئویی از پرستو صالحی در صفحه اینستاگرامش به سر خط خبرها بازگشت. او در این ویدئو اشاره می‌کند که چند ماه است از طریق خانه سینما برای بازگشت به ایران درخواست داده است. صالحی همچنین از دشواری‌هایی می‌گوید که خود و مادرش در غربت از سر می‌گذرانند. گله از این دشواری‌ها قبل‌تر از اشکان خطیبی نیز شنیده شده بود. آن چه هنرمندان در مهاجرت از سر می‌گذرانند را در مقطع زمانی دیگری از رنگ امیرفضلی بر زبان آورد و ویدئویی منتشر کرد که بارها و بارها در فضای مجازی چرخید. هر چند در این میان هستند رسانه‌هایی که از تیتراژی چون «تکرار سناریوی سلبریتی‌های همیشه‌پشیمان» استفاده می‌کنند، اما می‌توان رویکردی دیگر را نیز برگزید.

هنرمندان معترض مهاجر نه اندکند، نه رویکرد همگی شان یکسان. یکی در وطن در پروژه‌هایی با درون‌مایه‌های امنیتی بازی می‌کرد و می‌تواند در این مورد پاسخگو باشد ناگهان در رادیوکلان‌ترین رسانه‌ها ظاهر شد و تندترین مواضع را بر زبان آورد. دیگری چه در وطن، چه بیرون از آن کوشید مستقل باشد. یکی دیگر هم تاب نیاورد، به قول خودش کم آورد و خواست برگردد.

طبیعتاً در خواست هنرمندانی که در مقطعی از زمان تصویری از خود به جامعه‌نشان داده‌اند که گویی زبان معترضان هستند، برای بازگشت به وطن با واکنش‌های گوناگون مواجه می‌شود. واکنش‌هایی که می‌توان از میان‌شان رویکردی میانه را برگزید؛ رویکردی که معتقد است در دولتی که با شعار «وفاق ملی» بر سر کار آمده است، می‌توان اندکی تسامح و تساهل را چاشنی کار کرد. می‌توان برخوردی اخلاقی براساس مصلحت عمومی را جایگزین برخوردی قانونی براساس اصول حقوقی کرد و اجازه داد پل‌های فروریخته‌ی دیگر ترمیم شوند.

### چهره

## درگذشت خالق سبک بدریسم



محمد هاشم بدری، نقاش ایرانی خالق سبک «بدریسم» روز سه‌شنبه نهم مردادماه در ۷۸ سالگی درگذشت. بدری در سال ۱۳۲۵ در خمین زاده و از دوران نوجوانی در خوزستان ساکن شد. او پس از اخذ مدرک دیپلم وارد هوانیروز، سپس نیروی زمینی ارتش شد و در اوایل جنگ ایران و عراق به‌عنوان فرمانده تانک‌های چپتن در مناطق مرزی حضور داشت و جانباز شد. او در دوران نگاهت شروع به کشیدن نقاشی با استفاده از کاردک کرد و توانست تکنیک بدریسم را خلق کند و در نهایت در سال ۱۹۹۴ میلادی این سبک را در فرانسه به ثبت برساند. آثار این نقاش که عمدتاً تصاویر درخت، برگ و... را شامل می‌شوند، در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی متعددی به نمایش درآمده‌اند. او با استفاده از این سبک نوبن توانست به بیش از ۵۰۰ فرد نابینا آموزش نقاشی بدهد. نابینایان با لمس فرورفتگی‌های خودکار یا مداد می‌توانستند نقاشی بکشند.

### کتابخانه

## توطئه‌ی یوریکا

هاروارد بلام، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی آمریکایی متولد ۱۹۴۸ است که دوبار نامزد دریافت جایزه‌ی پولیتزر شده است. از جمله آثارش: صاعقه‌ی آمریکایی، بریگارد، آخرین شب بخیر، جاسوسی که زیاد می‌دانست، در خانه‌ی دشمن، هجوم تاریک و زمین بهشت است. آثار او چندین مرتبه در فهرست برترین‌ها و پر فروش‌ترین‌های نیویورک تایمز قرار گرفته است. کتاب «شب ترو» در رابطه با نقشه‌ی هیتلر برای کشتن روزولت، چرچیل و استالین در جریان کنفرانس تهران (۱۹۴۳) است. کنفرانس تهران، با اسم رمز یوریکا با شرکت سه رهبر متفقین مذکور در سال ۱۳۳۲ با حالتی سری و محرمانه در باب جنگ جهانی دوم در سفارت شوروی در تهران برگزار شد و نازی‌ها در آن در پی توطئه‌ای برای ترو این سه شخصیت سیاسی بودند. بلام در این اثر ابعاد مختلف این توطئه را بررسی می‌کند. کتاب «شب ترو» نوشته‌ی هاروارد بلام، با ترجمه‌ی سروش الف، رضوانی در ۴۵۶ صفحه و با قیمت ۴۹۵ هزار تومان توسط انتشارات پارسه منتشر شده است.



شب ترو

نویسنده:

هاروارد بلام

مترجم:

سروش الف، رضوانی

انتشارات: پارسه

### تاریخ

## آغاز عملیات نصر ۶



۱۰ مردادماه ۱۳۶۶، سالروز اجرای عملیات نصر ۶ در ارتفاعات میمک است. ارتفاعات میمک از ارتفاعات بسیار راهبردی مرزی ایران با عراق و نخستین منطقه از خاک ایران بود که پیش از آغاز

رسمی جنگ ایران و عراق از سوی ارتش بعث عراق اشغال شد. در این عملیات که از سنگین‌ترین نبردهای انجام‌شده در طول سال‌های دفاع مقدس است، تپه‌های ۶۷۰، ۶۴۲، کله قندی و قسمتی از تپه شهدا به دست نیروهای خودی افتاد، ۱۱ تیپ عراقی متحمل تلفات و ضایعاتی از ۳۰ الی ۹۰ درصد شدند و ۱۵ هزار نفر از نیروهای عراقی کشته‌ها زخمی شدند که فرمانده تپه یک کماندوی سپاه یکم عراق از جمله کشته‌شدگان بود. همچنین ۱۰۲ عراقی دیگر به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. خلبانان هوانیروز ایران در این عملیات، با به‌کارگیری ۳۰ فروند بالگرد و انجام ۲۵۰ ساعت پرواز، ۳۷۵ رزمنده مجروح را تخلیه، ۴۴۶ رزمنده را هلی‌برن و دوینم‌تن مهمات و اقلام آسانی را جابه‌جا کردند. این عملیات پس از ۱۳ روز نبرد مداوم، با ایثارگری و خلق حماسه‌های فراموش‌نشده‌ی نیروی زمینی ارتش، با موفقیت به پایان رسید.